



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و دانشجویان نیروی زمینی ارتش - 28 / مهر / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران عزیز و خواهران گرامی؛ خیلی خوش آمدید. امیدوارم در این راه مقدس و پرافتخار، ان شاء الله همیشه موفق و مؤید باشید. این مجموعه‌ای که هم نظامی است و هم دانشگاهی، و آمیزه‌ای از دو ارزش والای جامعه‌ی ما یعنی ارزش علم و جهاد را در خود جمع کرده است، یکی از شیرین‌ترین و مطلوب‌ترین بخشهای نیروهای مسلح ماست. امروز برای نظامیان در هر سطحی که هستند کسب معلومات و دانش نظامی و هر آنچه که به این دانش مربوط می‌شود، جزو فرایض است و همه‌ی دوره‌های تحصیلی نظامی ما، از ارزشهای واقعی برخوردار هستند. البته شما که ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باشید، یک امتیاز استثنایی را دارا هستید و آن این است که دانش نظامی را در میدان، آن هم در مدتی طولانی، آزموده‌اید.

فرق است بین آن کسی که در کتاب چیزی را می‌خواند و آن که خوانده‌ها را در میدان عمل می‌آزماید، یا اساساً در میدان عمل می‌آموزد. میدان عمل، موقعیتی فوق‌العاده است و شما آن را داشته‌اید. ممکن است افرادی از شما، جنگ را ندیده و نیازمندی باشند؛ اما ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرشار از تجربه‌های میدان جنگ است و کدام دانش بالاتر از این؟!

من بارها گفته‌ام و باز هم تکرار می‌کنم که از تجربه‌ی جنگ در دوره‌های نظامی، حداکثر استفاده بشود. هم به منظور استفاده از جنبه‌ی علمی وقایع جنگ که البته مهم است و هم به منظور زنده نگه داشتن آن روزهای پرافتخار. باید آن ساعات دشواری را که شما در آن، سخت‌ترین لحظات عمر را تجربه کردید و آزمودید، از یاد نرود. مگر شوخی است که ملتی یک جنگ هشت ساله را با نیروهای مسلحش؛ با این همه افتخار و با این همه سرافرازی بگذارند؟ در این جنگ، چه کسی به ما کمک کرد و چه کسی به دشمن ما کمک نکرد؟! مگر این چیز کمی است؟! من به جد معتقدم که در ارتش و سپاه، همه‌ی پدیده‌هایی که چشم را به خود جلب می‌کند، به نحوی انگشت اشاره‌ای به آن روزهای پرافتخار داشته باشد. در همین سرودها، حتی همین سرودهایی که در این مجالس خوانده و نواخته می‌شود که بسیار خوب و مورد سپاس است به‌جای تعریف یک شخص، به تعریف انبوه انسانهایی پردازند که ساعات پرافتخاری را گذراندند و این کشور را، این جامعه را، این تاریخ را؛ دستگاه رهبری را و دستگاه اداره‌کننده‌ی کشور را در دنیا سر بلند کردند.

بنده مسافرت‌های متعددی به سرتاسر کشورها کرده‌ام و تأثیر فداکاریهای شما را، در عظمت ایران، در خلق یک نمای پرافتخار برای کشور ایران و برای ملت ایران، در تصویر صحیحی از این انقلاب با عظمت و شکوهمند و در آبرو بخشیدن به اسلام که همه می‌دانستند این همه فداکاری برای اسلام انجام می‌گیرد دیده‌ام. اینها چیز کمی نیست. اینها را حفظ کنید.

مبادا کسانی تصور کنند که دوره‌ی سخن گفتن از شهدا و سربازان فداکار و زحمتکشان میدان نبرد، سپری شده است! این دوره، هیچ وقت سپری نمی‌شود. ارتش، امروز بحمدالله یک ارتش پرافتخار است. بدانید از روزی که نیروی مسلحی در این کشور به وجود آمده است تا امروز، در هیچ برهه از تاریخ ما، نیروهای مسلحمان، این قدر وصل به



مردم و کوشنده در راه اهداف و آرمانها و فداکار برای کشور و مرزها نبوده‌اند. در این دوره‌های اخیر، ارتش فقط يك اسم بود. کاخ باعظمتی از مقوای مقوای پر زرق و برق بود. آن جا که میدان عمل بود، معلوم می‌شد که پوچ است. آن جا که نما و منظره بود، البته زیبا و پر زرق و برق بود. چه در این دوره‌های اخیر که رهبران خائن، فرماندهان وابسته، روحهای ضعیف و ذلیل در مقابل بیگانگان بر آن حکومت می‌کردند و توده‌ی ارتش را که به‌رحال بخشی و پاره‌ای از تن این ملت بود، به نام و رنگ خودشان رنگ‌آمیزی می‌کردند، و چه در دوره‌های قبل که باز همین‌طور بود. ارتش ایران، با نام «قزاق» و «سالدات» شروع شده است. با نام بیگانه. با لباس بیگانه. با ترتیبات بیگانه و فرماندهی بیگانه. ارتش ایران آن روز که حکام غیر مردمی بر این کشور حکومت می‌کردند، يك ارتش غیر مردمی بوده است. امّا امروز، به فضل الهی، همان ارتش، همان افراد، همان عنصرهای ایرانی مسلمان، در يك مجموعه‌ی عظیم پرافتخار مردمی سازماندهی شده‌اند و برای عقیده‌ی خودشان، برای ایمانشان، برای میهن‌شان و برای کشورشان کار می‌کنند. این افتخار است.

اگر به ارتشهای دنیا نگاهی بکنید، خواهید دید که روال معمولی آنها چیست. يك صحنه، سومالی است. شما ببینید ارتشها در آن جا چه می‌کنند! به نام رساندن نان، وارد خانه‌ی ملت فقیری شده‌اند. اما به جای نان، به آنها گلوله می‌خورانند! ارتش امریکا، برای مقابله و مواجهه با مردم سومالی چه حرف حسابی دارد؟! آیا وجدانشان هرگز از اینها سؤال می‌کند که «ما در سومالی، حرف حسابمان چیست؟ چرا این مردم بیچاره را با يك شعار دروغین و پوچ، این‌طور تحقیر می‌کنیم و می‌کوبیم و می‌زنیم؟» آن ارتش، خودش را يك ارتش به اصطلاح روشنفکر و آزادیخواه هم تصوّر می‌کند!

هنوز سابقه‌ی ویتنام از یادها نرفته است. این، يك نمونه! نمونه‌های دیگر ارتشها نیز همین‌طور. آن جایی که باید از حق دفاع کنند، از آنها کمترین نشانه‌ای نیست. در بوسنی هرزگوین، که الآن سر سیاه زمستان آن منطقه، هزاران انسان جانشان در خطر است، هیچ نشان و اثر وجودی از ارتشهای اروپایی و امریکایی و غیره نیست. اما در سومالی، چرا. در ویتنام، چرا. در آن جا که از هدفهای انسانی خبری نیست، حضور دارند. آن جا که از هدفهای انسانی خبری هست، حضور ندارند. این وضع ارتشهای دنیا است. در مقابل چنین ارتشهایی؛ در مقایسه با چنین ارتشهایی، ارتش ما وقف برای حقیقت است.

البته من نمی‌خواهم تعمیم بدهم و همه‌ی دنیا را بگویم. لابد در گوشه و کنار دنیا، بالاخره مجموعه‌های نظامی‌ای که قابل قبول باشند، پیدا می‌شوند و هستند. یا حتی در همین مجموعه‌ها هم، اشخاصی ممکن است باشند. لکن، آنچه را که در صحنه‌ی عالم مقابل چشم ماست، مورد اشاره قرار می‌دهم. ارتش ما وقف برای حقیقت است: خدمت برای اهداف الهی؛ برای اهدافی که اگر آنها را با هر انسان با انصافی در میان بگذارند، تأیید خواهد کرد. برای حفظ میهن و حفظ استقلال خودش. نیروی مسلح ما می‌خواهد کشور، در اختیار دشمن قرار نگیرد و سلطه‌گران بر آن غلبه پیدا نکنند. این کم چیزی است؟! این هدف کوچکی است؟! هدف از این بالاتر و مقدّستر؟! این ارتش است. هر چه می‌توانید، به این ارتش، کیفیت بدهید. شما که در دوره‌های مختلف تحصیل کردید و این ارتش به گردنتان حق تعلیم پیدا کرده است، تمام وجود و تلاشتان را در حدّ میسور، در راه ارتقای کیفیت این ارتش صرف کنید. البته نقص دارد؛ اما این نقصها باید برطرف شود. از دهها سال پیش، تلاش بر این بوده است که نگذارند این ارتش، از لحاظ تجهیزات، روی پای خودش بایستد. امروز، بحمدالله، جهادهای خودکفایی و دستگاههای فنی، مشغول کارند. این را هر چه می‌توانید، ادامه دهید. سالها کوشش کردند از لحاظ سازماندهی و معیارهای نظامی، ارتش را وابسته کنند.



با این باید مقابله کنید. دانش نظامی را از همه باید فرا گرفت. دانش را از هر کس و هر جا باید فراگرفت؛ اما وابستگی نظامی، نه!

نگاه کنید ببینید طبیعت این سرزمین، طبیعت این ارتش، طبیعت کاری که بر دوش شماست و وظیفه‌ای که از شما منتظر است، چیست؟ بر طبق آن، سازماندهیها و کارهای خودتان را انجام دهید. بحمدالله همه‌ی اینها را ارتش ما انجام می‌دهد. مقررات نظامی را با اصول ارزشی خودتان منطبق کنید. هر کدام از مقرراتی را که می‌بینید با ارزشهای اسلامی ناسازگار است، تبدیل به مقرراتی که با ارزشهای اسلامی سازگار باشد، کنید. این شما را تقویت خواهد کرد و به پیش خواهد برد و عزتتان را در چشم مردم بیشتر خواهد کرد. امروز کشور در یک دوران بلوغ سازندگی است. همیشه دورانهای سازندگی، برای کشورها دوران دشواری است. آن هم سازندگی بعد از آن ویرانگریهای طولانی. در گذشته‌ی نزدیک، ویرانگری جنگ بود. قبل از آن ویرانگری، سلطه‌ی بیگانگان و بیگانه‌پرستان بر این کشور بود. من گمان می‌کنم این ویرانگری، خطرناکتر و صعب‌العلاجتر از ویرانگری جنگ است. به هر حال، برای یک ملت که بخواهد ویرانیها را بسازد و به عمارت و تجدید بنا تبدیل کند، کاری دشوار است.

شما ببینید بعد از جنگ بین‌الملل دوم، تقریباً همه‌ی دنیا و دولت ثروتمند امریکا، دست به دست هم دادند تا بتوانند کشور آلمان و کشور فرانسه و کشورهای ویران شده در جنگ را بسازند. سالها طول کشید تا توانستند.

ما به هیچ دولت و هیچ قدرتی از قدرتهای دنیا چه قدرتی سیاسی، چه اقتصادی و چه نظامی متکی نیستیم. این ملت خودش باید بسازد و با دستان خودش باید این بنا را بالا ببرد. طبعاً دوران دشواری است. همه چیز در این دوران دشوار، باید با تلاش بیشتر، با شوق بیشتر و با امید روشنتر انجام گیرد. سهم ارتش جمهوری اسلامی ایران از این تلاش، سهم بزرگی است.

البته من اعتقادم این است که این سازندگی، در درجه‌ی اول در محدوده‌ی خود این سازمان باید انجام گیرد. هر کدام از سازمانهای نظامی، سازندگی را باید از خودشان شروع کنند. البته، اگر توانستند در سازندگیهای عمومی کشور هم شرکت کنند، مانعی ندارد. جوانانی که تازه وارد ارتش شده‌اند و فارغ‌التحصیل دوره‌های نظامی هستند و کسانی که سابقه‌ی کمتری دارند، باید این دورانی را که در مقابل خود دارند، از هم اکنون دوران افتخار دنیا و آخرت بشمارند. با این دید به دوران خدمتتان نگاه کنید. کار شما، کار نظامی است. لکن همین کار نظامی، وقتی با نیت صحیح انجام گیرد، یک عبادت است.

امیدواریم خداوند متعال شما را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد، و روزبه‌روز توفیقات شما را بیشتر کند و ان‌شاءالله در آینده هم شاهد پیشرفتهای علمی و فرهنگی و عملی و ابتکارات شما در میدانهای مختلف باشیم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته